



دیده بانی نگاهی جدید به کاربرد آمار و اطلاعات در تغییرات جامعه دارد. در نظام های فعلی آمار و اطلاعات چالش های متعددی وجود دارد:

- داده ها متناسب با اهداف توسعه ملی و منطقه ای تولید نمی شود لذا با انبوهی از آمارها مواجه هستیم که در نگاه اول دردی را دوا نمی کنند، به عبارت دیگر هدف توسعه یک چیز است ولی تولید آمار در زمینه های دیگری صورت می پذیرد.
- داده ها به موقع و در زمان لازم تولید نمی شود گاهی آخرین داده برای تصمیم گیری مربوط به ۱۰ سال پیش است، به همین دلیل هشدار و اختاری برای وقایع و حوادث پیش رو نیز وجود ندارد.

به دلیل ضعف نظارت علمی بر فرایند تولید داده، اعتماد به نتایج کم است.

داده ها تولید می شود اما نهایتاً در برنامه ها، سیاست ها و نهایتاً تصمیم گیری به کار گرفته نمی شود.

تولید داده ها مستمر نیست و در عوض منقطع است لذا روند مشخصی را برای موضوعات مبتلا به جامعه نمی توانیم ترسیم کنیم.

تولید داده ها در فرایند زنجیره نتایج شامل درون داد، فرایند، برون داد، پیامد و اثر نهایی توزیع متناسبی ندارد به عبارت دیگر نمی دانیم اگر شاخصی در « پیامد » دچار افت شده است کدام اتفاقات در شاخص های درون داد، فرایند و برون داد است.

داده ها به دلیل نقص پوشش ارایه خدمات در حوزه های مختلف جامعه معتبر و دقیق نیست به طور مثال به دلیل کامل نبودن شبکه های بهداشتی و درمانی در کل کشور از جمله شهرهای بزرگ و حاشیه شهرها؛ نمی توانیم از این اطلاعات با دقت بالا برای تصمیم گیری در مورد وضعیت بیماری دیابت استفاده کنیم چون بخشی از اطلاعات مردم ثبت نمی شود. این وضعیت در مورد مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی هم صادق است.

مدیران و متخصصان آمار و اطلاعات کمتر همدیگر را درک می کنند لذا ممکن است اعتمادی به همدیگر نداشته باشند و این در انگیزه طرفین برای کار با آمار مشکل ایجاد می کند.

گاهی در تولید داده ها بی توجه به مقایسه های بین المللی و شاخص های جهانی عمل می کنیم لذا تلاشی برای بهبود آن شاخص هم نداریم به طور مثال وقتی شاخص پایداری زیست محیطی ایران در مقایسه با سایر کشورها ارایه شد وضعیت کشورمان خوب نبود ولی کار روی شاخص های زیر مجموعه آن در سازمان مدیریت و برنامه ریزی وقت و سازمان حفاظت از محیط زیست بعد از چند سال موجب شد رتبه کشور به طرز عجیبی در سطح جهانی بهبود پیدا کند

به اندازه کافی داده های تولید شده تحلیل نمی شود به عبارت دیگر کار تحلیلی روی داده ها توسط محققان و دانشگاه ها می تواند زوایای پنهان مشکلات جامعه را مشخص کند و برای مدیران راه جدیدی را نشان دهد به طور نمونه تحلیل توزیع وضعیت شاخص ها در دهک های جامعه، شهرستان های مختلف، سن و جنس و وضعیت های اجتماعی اقتصادی افراد می تواند ما را از وضعیت برقراری عدالت و عملکرد مدیران آگاه کند.

داده ها به بهانه های مختلف در اختیار مردم قرار نمی گیرد لذا بسیج اجتماعی هم برای حل مشکلات جامعه آغاز نمی شود چون مردم مطلع نیستند.

واحدهای آمار و اطلاعات از واحدهای تصمیم گیر از نظر ساختاری یکپارچه نبوده و دور هستند.

منابع و واحدهای تولید کننده داده پراکنده و جزیره ای است و سیاست گذار اطلاعات تجمیع شده ای در دست ندارد.

تولید داده ها در زمان بندی مربوطه از طریق پیمایش ها انجام نمی شود.

دیده بانی در پاسخ به چالش های فوق نظام منسجمی را پیشنهاد می کند. این نظام سه جزء دارد:

بخش اول سامانه های تولید کننده داده ها: کلیه واحدهای دولتی، خصوصی و غیردولتی ثبت داده های خدمات و وضعیت مردم را بر عهده دارند که به عنوان زیر مجموعه های دیده بانی هستند و به شکل هماهنگ کار می کنند

بخش دوم تبدیل کنندگان داده به اطلاعات: این بخش به طور نمونه واحدهای طرح و برنامه سازمان ها هستند که در شکل کلان سازمان برنامه و بودجه استان است و سعی دارند در تحلیل وضعیت موجود، هدف گذاری و ارزشیابی سیاست ها و برنامه ها از داده ها استفاده نمایند.

بخش سوم سیاست گذاران، مدیران و شوراهای تصمیم گیر: استانداری، شورای برنامه ریزی و توسعه استان و کارگروه های تخصصی در سطح استانداری سامانه تصمیم گیری در موضوعات اجرایی استان را بر عهده دارند.

سه بخش اصلی نظام دیده بانی



دیده‌بانی فرهنگ مدیریت برای تحقیق و کاربرد اطلاعات برگرفته از منابع مختلف را به منظور سیاست‌گذاری ارتقا می‌دهد. مدیرانی که اطلاعات لازم را از دیده‌بانی می‌گیرند و مورد استفاده قرار می‌دهند، انگیزه بالاتری برای جستجوی اطلاعات بیشتر و افزایش سودمندی آن، پیشرفت دیده‌بانی و پاسخگویی بهتر اطلاعات پیدا می‌کنند.

پاره‌ای از چالش‌ها که در استقرار نظام دیده بانی با آن‌ها مواجه می‌شویم عبارتند از:

- راه‌اندازی و مدیریت دیده‌بانی ممکن است از نظر مقام‌های مسؤول و مدیران به عنوان **کاری اضافی** بر گروه مدیران پرکار، تلقی شود که فشاری مضاعف بدون هیچ ارزش یا منفعت واقعی است. از این رو، برآورد نمودن هزینه-

فایده‌ی محتمل دیده‌بانی و همچنین حمایت‌طلبی برای راه‌اندازی آن اهمیت دارد.

- محدود بودن اطلاعاتی که توسط نظام‌های معمولی اطلاعات سلامت با ساختار و عملکرد ضعیف تولید می‌شود، عملکرد و تولیدات دیده‌بانی را نیز کاهش می‌دهد و بهبود آن را به درازا خواهد می‌کشاند. این چالش درخصوص جستجوی اطلاعات ضرور از طریق سازو کارهای جایگزین (مانند استفاده از پایگاه‌های دیده‌ور در جاهایی که نظام اطلاعات وجود ندارد تا اطلاعات ضرور را گزارش کند) نیز مطرح است.
- نظام‌های پایش و مراقبت با عملکرد و پوشش محدود نیز از محدودیت‌های اولیه یا چالشی دیگر برای برقراری دیده بانی است.
- دیده‌بانی ممکن است به خطا، جایگزین نظام‌های اطلاعات روزمره و پایش و مراقبت تصور شود. همین امر موجب مقاومت در برابر اجرای آن به ویژه از سوی گروه‌هایی که از قبل در پایش و مراقبت دست داشته‌اند خواهد شد.
- طرح راه‌اندازی دیده‌بانی ممکن است با بلند پروازی همراه باشد مخصوصاً اگر توان‌ها و مشکلات کشور برای اجرا به درستی در نظر گرفته نشده باشد. به همین دلیل توصیه می‌شود دیده‌بانی از روند توسعه تدریجی برخوردار باشد و با جزوه‌هایی که بر اساس نظام‌های پایش و مراقبت موجود تدوین می‌شود آغاز گردد.

- ارتباط واقعی میان اطلاعات و تصمیم‌گیری ممکن است به سبب محدود بودن اطلاعات، توان مدیریت برای کاربرد اطلاعات، یا محدودیت در گزارش و تقسیم اطلاعات ضعیف باشد.
- شناسایی نیازهای اطلاعاتی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان ممکن است به سبب ماهیت پیچیده حکمرانی، سطوح متعدد و مدیریت چندگانه موجود و انواع تصمیم‌گیری‌های مورد نیاز دشوار باشد

دیده‌بانی به عنوان ابزاری سیاست محور، عمدتاً بر روی «اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری و عمل سلامت» و به طور خاص «اطلاعات و دانش مورد نیاز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سلامت با تکیه بر شواهد»، تمرکز دارد. با این وجود طبق تعریف، دیده‌بانی:

- نباید نهادی اطلاعاتی باشد که از آن برای جایگزینی یا تکرار همان نقشی استفاده شود که نظام‌های خاص اطلاعاتی و پایش و مراقبت برعهده دارند (این نظام‌های را باید تقویت کرد اما نه این‌که دیده‌بانی جای آن‌ها را بگیرد).
- نمی‌بایست واحد اداری دیگری (برای افزودن به تشریفات اداری) باشد و موجب بالا رفتن فشار کار روزمره کارکنان که در حال حاضر به تولید و تحلیل اطلاعات مشغول‌اند، یا مدیران که دیده‌بانی برای آنان هیچ ارزش افزوده یا هزینه- فایده‌ای در بر ندارد شود.
- نباید نهاد علمی، آکادمیک یا تحقیقاتی خود محور باشد (حتی اگر در عمل به واحدی اطلاعاتی تبدیل شود). دیده‌بانی، برای این‌که مثر شمر باشد باید اساساً مرکزی سیاست محور و حلال مشکلات با مقاصد عملی باقی می‌ماند.



بنابراین از لحاظ عملیاتی برداشت از دیده‌بانی استانی عبارت است از «دیده بانی توسعه پایدار مرکز استانی سیاست محور و مجازی است که هدف آن مشاهده‌ی نظام‌مند و پیوسته مسائل مربوط به توسعه پایدار است تا در حمایت از سیاست‌های مؤثر و مبتنی بر شواهد، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اقدام در جامعه نقش ایفا کند، هدف نهایی، کمک به حفظ و بهبود شادکامی، شکوفایی و کاهش نابرابری‌هاست.»